



روزنامه سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی ، اجتماعی ، ورزشی صبح ایران
www.sharghnewspaper.ir- پست الکترونیکی: Info@sharghnewspaper.ir

صاحب امتیاز و مدیر مسئول : مهدی رحمانیان

نشانی : تهران ، خیابان آفریقا ، بلوار گلشهر ، پلاک ۴۶

تحریریه: ۳۳-۲۲۰۳۸۰۲۴
نمابر: ۲۲۰۳۴۵۱۵

سازمان آگهی ها: ۲۲۰۵۷۰۹۰ (۲۲خط)-نظارت بر توزیع: ۶۶۹۵۸۶۱۰

امور مشترکین- تلفن: ۲۰۰-۶۶۹۷۱۱۹۹،
نمابر: ۶۶۴۰۴۱۶۵

امور فنی ، آتلیه و لیتوگرافی: روزنامه شرق- چاپ : افست

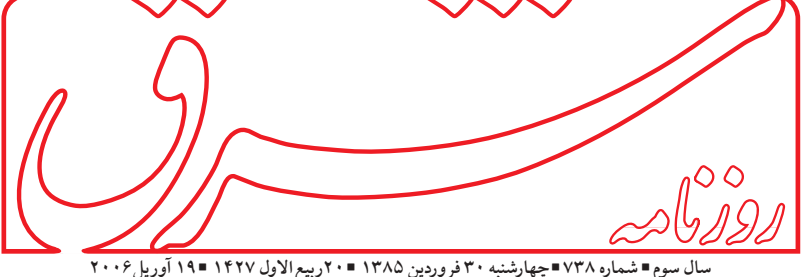
راهنمای امروز

تلویزیون امروز	
آپازتمان شماره ۱۳	یک
عامل ناشناخته	سه ۱۳/۴۰
پرستاران	یک ۱۵/۱۰
راز آفرینش	سه ۱۵
دخترانه	یک ۱۶
پای پیاده	پنج ۱۹
مجله فرهنگی هنری یک	یک ۲۰/۱۰
بررسی مطبوعات جهان	چهار ۲۰/۳۰
سریال لبه تاریکی	دو ۲۱
سریال روح مهربان	یک ۲۲
تله تئاتر دست‌های آلوده	چهار ۲۲
دیوار آشنا	دو ۲۲
صبح و سلامتی	سه ۱۰/۳۰
سیمای خانواده	یک ۱۱
گزارش ورزشی	سه ۲۲/۱۵
فیلم سینمایی	پنج ۲۱

سینمای امروز
چهارشنبه سوری (اصغر فرهادی)
آفریقا، ایران ۱، عصرجدید۳، پارس ۱ بهمن ۲ و آسیا
زیر درخت هلو (ایرج طهماسب)
استقلال، جوان ۲، عصرجدید۲، قیام، مرکزی ۱، بهمن ۱، آستارا، پیروزی، پیوند، فردوسی، جی ۲، شقایق، بلوار، ایران۲، گلریز ۱ و ماندانا
یک تکه نان (کمال تبریزی)
فرهنگ ۲، فلسطین ۲ شهرتماش، سپیده ۱ و شاهد
ازنواج به سبک ایرانی
قدس، ایران۳، صحرا، شهر قشنگ، فلسطین ۱، مرکزی۲، جی ۱، فرهنگ ۱، ناهید، کارون، گلریز ۲، حافظ، رودکی، تهران، پایتخت و میلاد
هوو (علیرضا داوودنژاد)
عصرجدید۱، اروپا، تهران۲، جوان، شیرین، جی ۲، سعدی، ملت، مرکزی ۳، شیدا، دهکده المپیک، کانون قدس و موزه سینما

تئاتر امروز
دشمن مردم (اکبر زنجانبور)
تالار اصلی تئاترشر- ۱۹/۰۰
تیغ و ماه (آتیلیا پسینانی)
تالار چهارسو تئاترشر- ۲۰/۰۰
شب بخیر جناب کنت و…
سالن قشقای تئاترشر- ۱۸/۳۰
سکوت (حسین مهکام)
تالار سایه تئاترشر- ۱۹/۳۰
وقتی فرشته خواب سگ می بیند
تئاترشر- ۱۸/۰۰
آواز ستاره ها (مهرداد خرنم بیز)
تالار نو تئاترشر- ۱۹/۰۰
افعی طلایی
تئاتر پارس - ۱۶ و ۱۲/۴۵
رستم و داش ابرام
تئاتر پارس - ۱۷/۳۰

تجسمی
نمایشگاه نقاشی قهوه‌خانه ای
نگارخانه کمال الدین بهزاد- ۸۸۹۶۰۴۵۳
نمایشگاه عکس «دست‌ها- خودنگاره»
گالری اثر- ۸۸۳۲۶۶۸۹
نمایشگاه نقاشی- طراحی
نگارخانه مرتضی ممیز ۸- ۸۸۳۱۰۴۵۷
نمایشگاه طراحی گروهی
گالری هما- ۲۲۰۵۵۲۹۶



سال سوم ■ شماره ۷۳۸■ چهارشنبه ۳۰ فروردین ۱۳۸۵ ■ ۲۰ربیع الاول ۱۴۲۷ ■ ۱۹ آوریل ۲۰۰۶

فرهنگی

ادبیات

مارسل پروست برای جوانان

مهدی یزدانی خرم :
مهدی سحابی مترجم و نویسنده گزیده‌ای از رمان «در جست‌وجوی زمان از دست‌رفته» نوشته مارسل پروست را ترجمه و آماده چاپ کرده است.
پنابیر خبر خبرگزاری ایستا ، سحابی دلیل این ترجمه را چنین توضیح می‌دهد: «چون رمان پروست خیلی طولانی و البته بسیار مهم است، ممکن است خواندش برای بسیاری از جوانان حالت بازدارنده داشته باشد که امیدوارم این گزیده محرکی باشد برای خواندن کل اثر .»
علاقه‌مندان به ادبیات داستانی غرب ، به خوبی می‌دانند که رمان حجیم «در جست‌وجوی زمان از دست‌رفته» از مهم‌ترین و جریان‌سازترین آثار نیمه اول قرن بیستم است. این رمان به دلیل نگاه منتقدانه و شاعرانه‌اش از باب رمان‌ها و هویت‌های در حال فروپاشی به یکی از مهم‌ترین آثار ادبیات مدرن اروپا تبدیل شد. پروست در اوایل قرن بیستم از دنیا می‌رود ولی رمان او بعد از سال‌های زندگی‌اش مورد توجه جدی‌تر و عمیق‌تر منتقدان و زیبایی‌شناسان ادبی نام‌آشنا قرار می‌گیرد. ترجمه این رمان در ایران توسط مهدی سحابی و در طول زمانی نزدیک به ۱۲ سال انجام می‌گیرد. رمان در آغاز به صورت تک‌جلد و با فاصله زمانی منتشر می‌شود و آخرین جلد رمان یعنی «زمان بازپافته» در سال‌های پایانی دهه هفتاد به بازار می‌آید. ترجمه سحابی را نشر مرکز در هشت جلد منتشر می‌کند. ترجمه‌ای که در آن چندین مقاله مهم در باب نگاه و شیوه‌های روایی مارسل پروست هم در آن گنجانده شده است. سحابی در

عین حال و در پایان هر یک از مجلدها شرح و توضیح‌هایی بر انبوه اسامی ، اعلام، مکان‌ها و برخی تلمیح‌های تاریخی که در رمان بسیار دیده می‌شوند ارائه داده است. حال ترجمه گزیده‌ای از رمان در جست‌وجوی زمان از دست‌رفته حرکتی برای آشنا شدن نسل جوان‌تر با حال و هوای فکری و روایی مارسل پروست است. این رمان در طول سال‌هایی که از انتشار آن در ایران می‌گذرد، نظره‌های متعدد و گوناگونی را در پی داشته است و به همین دلیل مارسل پروست از جمله نویسنده‌های کلاسیکی به شمار می‌رود که در این سال‌ها، نظرها، مقاله‌ها و نوشته‌های درباره او چاپ شده است. این گزیده را نشر مرکز در روزهای نمایشگاه کتاب امسال به بازار خواهد فرستاد. دیگر اثری که از مهدی سحابی در نمایشگاه کتاب امسال منتشر خواهد شد، چاپ دوم رمان نویسنده فرانسوی لویی فردینان سلین است. این رمان که در کنار سفر به انتهای شب و کوشک، به کوشک از مهم‌ترین آثار او به شمار می‌آید، سال گذشته برای اولین بار منتشر شد. چاپ دوم این رمان را هم نشر مرکز، ناشر اعم آثار مهدی سحابی می‌دهد. از سحابی ترجمه‌های دیگری مانند تقسیم، مرگ آرتیمو کروز، مون‌بزرگ، بارون درخت‌نشین، تربیت احساسات، کوه خدا و . . . منتشر شده است. این مترجم به زبان‌های ایتالیایی، فرانسه و انگلیسی تسلط دارد.

رمان مارچ برنده جایزه بولیتزر

این جایزه را قبلاً دریافت کرده است.
ماجرای رمان بروکس به سال اول جنگ داخلی آمریکا می‌پردازد، زمانی که شمال درگیر شکست‌های ناخواسته می‌شود و «مارچ» خانواده‌اش را برای شرکت در جنگ تنها می‌گذارد. این تجربه زندگی‌اش را تغییر می‌دهد و او را با بنیادی‌ترین اعتقاداتش به مواجهه وامی‌دارد. بروکس با نوشتن این رمان تاریخ آمریکا را هم مرور کرده است. بروکس برای نوشتن این رمان سرفوت نامه‌ها و خاطرات شخصی برانسن الکوت پدر لویی‌زامی رفته است که از دوستان صمیمی رالف والدواورسم و هنری دیوید تورو بود. مارچ در جریان اتفاقاتی که شاهد آن است، از جمله اینکه طرفی که او به آن تعلق دارد به همان بربریت و نژادپرستی طرف مقابل است، شخصیت‌اش دچار دگردیسی می‌شود. هیات‌داوران جایزه بولیتزر به هیچ اثری در حوزه نمایشنامه جایزه‌ای نداده است. بروکس شخصیت اصلی کتابش را از شخصیت جان مارچ گرفته است؛ پدر غایب رمان «زنان کوچک» الکوت که رمانش در سال ۱۸۶۸ سروصدای فراوانی به پا کرد. رمان الکوت ماجرای زندگی چندت خواهر است که در طول جنگ‌های داخلی آمریکا در ماساچوست زندگی می‌کنند. بروکس بعد از اعلام جایزه گفت که هنوز باوراش نشده است. بروکس گفت: «انگار صاعقه به‌هم زده باشند. «البته همسر بروکس، تونی هورویتز، در سال ۱۹۹۵ به خاطر گزارشی در وال‌استریت جورنال

یاد

رامبد جوان ، مثل اینکه تصمیم گرفته بود همه‌اش سختی بکشد. بعضی‌ها در تلخی‌هاشان هم شیرین می‌شوند. او به گونه‌ای از پیش‌مارفت که به‌گاه‌رفتنش قلبان دردنگرفت چرا که این اواخر آن‌قدر تلخ شده بود که وقتی رفت باز هم به نظر شیرین می‌آمد.

- می‌دانم که پوپک را دوست داریم**

با هم ملایم‌وند : نوشتن سخت است چه رسد به اینکه سخاوتهی از رفتن بنویسی. از رفتن کسی که به نظر می‌رسید متعلق به اینجا نبود. از بالا بود و بالا رفت. او را از زمانی که «گلی» سیندرلا بود می‌شناختمش، به «دریا» بودن در دنیای شیرین و «رویا» شدن در «مروارید سرخ». حال کیوس رفتن رویا را باور نمی‌کنیم هر چند که دلخوش برسدنش به جایی که به آن تعلق داشت، باشیم. چقدر سخت‌است تحمل این درد برای پدر و مادر و خواهرش که شاهد قطره‌قطره آب شدن او در این چند ماه اخیر بودند و چقدر پوپک آنها را دوست می‌داشت و اینک تنهایشان گذاشته است.
سهیل نوروزی : اکنون که پوپک گلدره پس از ماه‌ها سختی به آرامش ابدی رسیده است احساس دوگانه‌ای دارم؛ غمگین از رفتنش و خوشحال از آسودنش. او را از ۹سال پیش با «سرزمین سبز» از نزدیکی می‌شناختم و پس از سال‌ها سریال «مروارید سرخ» را دوباره با او تجربه کردم. باز هم همان دختر ساده و پرازثری سرزمین سبز بود. همان پوپکی که همیشه می‌خواست متفاوت باشد. حال‌چه می‌توانم بگویم به جز اینکه: «یاد‌باد آن روزگاران یاد باد.»

- ...**

سال ۷۲ که برای خاکسپاری استاد «علی حاتمی» به قطعه هنرمندان آمده بودم فکر نمی‌کردم که این قطعه تا چند سال بعد این قدر آباد شود. به هر سبکی نگاه می‌کنی یک نام آشنا. یک هنرمند که تکرار ناشدنی است. حالا برای خاکسپاری پوپک گلدره در اینجا هستم، هنرمندی که شاید جوان‌ترین در این بین باشد.

اسدالله امرای : یادش به خیر روزگاری که کتاب یار مهربان بود و البته رسم وفا می‌آموخت. اما دیری است که این یار مهربان جفا می‌بیند و گاهی دمی برمی‌آورد. اردیبهشت‌ماه فصل کتاب و نمایشگاه است. نمایشگاه کتاب . نمایشگاهی که سیمای شهر تهران را دیدرگون می‌کند. بعد همه یاد‌گره‌های کور ترافیک می‌افتند تا شر دوستداران کتاب و علاقه‌مندانی را که گروه گروه و تک‌تک به امید یافتن کتاب‌هایی که به هر علت از گردونه پخش جا مانده یا در چم و خم توزیع دستی زحمت‌کشان عرصه ویزیشوری دیده نشده‌اند راهی نمایشگاه کتاب می‌شوند از سر مرمدی که در آن حوالی سکونت دارند کم کنند. خوشبختانه امسال هم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به توصیه‌های از سر دلسوزی اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان در تصمیم‌خود در تفکیک نمایشگاه عمل کرد و به شایعات و گمانه‌زنی‌ها پایان داد. استفاده از تخفیف‌های نمایشگاهی، بن‌های خرید کتاب، دسترسی به کتاب‌های متنوع و کمیاب، کتاب‌های خارجی و حتی گاهی تفریح و تفرج در فضای فرهنگ ... از علل استقبال کتابخوانان است. ناشران سعی می‌کنند جدیدترین کتاب‌های خود را به نمایشگاه برسانند. به همین علت است که کوچک‌ترین دست‌اندازی سر راه نشر داد ناشران را درمی‌آورد. البته فقط ناشران از تاخیر متضرر نمی‌شوند نویسنده و مترجم شاعر و محقق که چندین ماه وقت گذاشته و زحمت کشیده و به هر روی منتظر به بار نشستن زحمات خود است نیز از این تاخیر‌ها دلگیر می‌شوند. با توجه به این که فروش کتاب در نمایشگاه تقریباً نقدترین فروش ناشران است درآمد نمایشگاه تقریباً با ایام غیرنمایشگاه برابری می‌کند. البته هزینه‌های ناشر را اگر به حساب بیاوریم در مقایسه با سایر بخش‌های بازار شاید چندان سودی نداشته باشد. کافی است دخل و خرج ساندویچ‌فروشی مجاور

تا نمایشگاه

حسین یاغچی :
هانری تروایا را با کتاب‌هایی می‌شناسیم که درباره نویسندگان سرشناس روس چون داستایوفسکی و چخوف نوشته است. از قرار معلوم تروایا دلپسنگی عجیبی به سرزمین روسیه در قرن نوزدهم دارد. حتی در آثار داستانی خود هم به سراغ این سرزمین می‌رود و مانند آثار تاریخی‌اش توصیفاتی دقیق از زندگی مردمان این سرزمین در قرنی که شماری از مهم‌ترین متفکران تاریخ در آن زیسته‌اند، ارائه می‌دهد. «شب‌های سفید، روزهای خاکستری» اثری داستانی از تروایا است که پررئز شهیدی آن را ترجمه کرده و انتشارات صبحدم آن را به بازار کتاب فرستاده است. داستان این زمان از جایی آغاز می‌شود که مرید فرانسوسی با نام گرنبوسک همراه زن و بچه‌اش به روسیه و سن پترزبورگ می‌آید تا معماری و ساخت خانه یکی از نزدیکان تزار با نام روماشکین را برعهده بگیرد. حضور او بهانه‌ای می‌شود برای راه یافتن به قصرهای تزار و زندگی مردمانی که در مقام طبقه اشراف، تعدادشان در روسیه آن زمان بسیار اندک بوده است. گرنبوسک نام مستعار خود تروایا در این زمان است و تحلیل‌ها و بر برخی موارد تردیدها و تعجب‌های این

آبادان +۲۴+۳۴	بیرجند +۱۵+۱۸	سندج +۷+۲۱	همدان +۶+۲۰
اراک +۸+۲۱	تهران +۱۲+۲۲	شهرکرد +۶+۲۰	یاسوج +۱۱+۲۵
اردبیل +۶+۱۳	تبریز +۴+۱۷	شیراز +۱۴+۲۶	یزد +۱۶+۲۸
ارومیه +۸+۲۰	خرم‌آباد +۱۱+۲۶	قزوین +۹+۱۲	دبی +۱۸+۲۲
اصفهان +۹+۲۵	رشت +۱۲+۱۵	کرمان +۱۳+۲۴	+۲۲+۲۷
اهواز +۲۱+۳۵	زاهدان +۱۷+۳۰	کرمانشاه +۹+۲۲	+۲۵+۲۸
ایلام +۱۲+۲۴	زنجان +۶+۱۷	کاشان +۱۴+۲۱	مدینه +۲۶+۲۹
بجنورد +۸+۱۹	زابل +۲۱+۳۶	کیش +۲۶+۳۴	+۱۰+۱۴
بندرعباس +۲۵+۴۰	ساری +۱۳+۱۷	گرگان +۱۳+۲۸	+۸+۱۱
بوشهر +۲۴+۲۷	سمان +۱۲+۱۸	مشهد +۱۲+۲۴	+۷+۹
تهران	اذان ظهر ۰۳	۱۲:۰۰ اذان مغرب ۵۹	۱۸:۰۰ اذان صبح فردا ۵۷

گر بخت ز مرد برگردد
سیدعلی میرفتاح
کرگدن نامه

من هم داشتم خیال خام می‌پختم و خود را در قامت «مرد خفاشی» که به‌ادم مردم فرودمست می‌رسد و دزدان و قاچاقچیان و مردم شرور را به سر جایشان می‌نشانند و به شکلی افتخاری – بی‌هیچ چیزه و موابجی – پلیس را در مأموریت‌هایی که دارد یاری می‌دهد و بالاخره در مقابل دختری مهربان که خیزرگار پرتلاش و پیگیری است برای روزنامه‌های جنجالی، نقاب از چهره برمی‌دارد و ماهیت خود را – فقط و فقط برای او و برای مقتولی که نفس‌های آخرش را کشیده است – لو می‌دهد می‌دیدم. . . . داشتم به پیشنهاد آقای کپورچالی فکر می‌کردم و برای بنتم شدن شرط و شروط می‌گذاشتم و می‌خواستم بگویم: «من به این شرط بنتم می‌شوم که اولاً درگیر بازی‌های سیاسی نشوم و قدرت خارق‌العاده خودم را مصروف جناح‌های چپ و راست نکنم و دیگر اینکه در هنگام جمع‌آوری آتنن‌های ماهواره، به دلایلی کاملاً شخصی به نیروی انتظامی کمک نکنم و . . .»
که آقای کپورچالی بی‌اعتنا به فرمایشات پامقلی دیروزشان، رشته خیالات واهی مرا درید.

آقای کپورچالی : من نمی‌دانم این حجم سهمگین بدشانسی که کجا آمده و ما چرا این قدر بی‌طالیم. به محض اینکه من بخت برگشته سکه‌های طلایم را فروختم ، ببینید قیمت سکه به کجا رسیده است. بازار طلا دست روی دست گذاشته بود و منتظر بود من چهارتا سکه‌ام را بفروشم.

آقای امیرشاهی : به محض اینکه بخیرم، بازار جهانی طلا سقوط می‌کند. اصلاً در تمام عمرم من به یاد ندادم که چیزی را خریده باشم دو ریال و فروخته باشم چهار ریال.

آقای مویلدی : نروام هم من می‌گویند اگر بانک مرکزی می‌دانست که شما چقدر بدایقالبید، مجبورزان می‌کرد که ماهی ده دلار بخرد تا قیمت دلار ظرف یک سال به همان قیمت هفت تومان سابق برگردد.

آقای روشن ضمیر : توی این مملکت هر کس خانه خرید سود کرد و یک تومانش صد تومان شد، الا بنده. یک وقتی به اصرار این و آن رفتم با بدبختی و قرض و قوله یک آپارتمانی را پیش خرید کردم. هر اتفاق ناگوارگی که ممکن بود در طول ده سال برای ده آپارتمان در ده شهر مختلف بیفتد، یک‌جا و در طول یک ماه برای این آپارتمان پیش‌خبر شده افتاد. صاحبان مجتمع دزدان آب درآمدند و متواری شدند. صاحب اصلی از خارج آمد و حکم تخلیه گرفت. اوضاع خر تو خر شد و یک سری دزد ریختند توی آپارتمان تازه‌ساخته شده و همه چیز از جمله سینک آشپزخانه و حتی چارچوب در ورودی را دزدیدند. آپارتمان را خریده بودم چهارده میلیون تومان، سه سال بعد فروختم هشت میلیون، آن هم از حد قسط. به محض اینکه فروختم، اوضاع آن مجتمع سامان پیدا کرد و دادگاه حکم تخلیه‌اش را پس گرفت و به همه سند منگوله‌ها داد. الاان شنیدهام همان آپارتمان را نود تومان هم نمی‌دهند. زنم گفت باز خوب شد، ما زود فروختم و باقی همسایه‌ها بیاجات پیدا کردند. . .

آقای کپورچالی : من یک چیزی بگویم. توی تاکسی نشسته‌ایم و داریم می‌رویم به یک خراب‌شده‌ای. آنجینان ترافیک سنگینی به‌وجود می‌آید که ماشین‌ها توی هم قفل می‌شوند. همین که از شدت کلافگی و خستگی و گرم‌آید قید تاکسی را می‌زنم و کرایه‌ام را می‌دهم و همان وسط خیابان پیاده می‌شوم، چند قدمی هنوز دور نشده می‌بینم که پلیسی مثل منجی افسانه‌ای از راه می‌رسد و راه را باز می‌کند و خیابان را سامان می‌دهد و همه را با سرعت روانه مقصدشان می‌کند. یک بار دخترم گفت اگر می‌خواهی دوباره همه را بدبخت کنی مجدداً دستت را بلند کن و یک تاکسی دیگر بگیر.

آقای امیرشاهی : باور کن این ماجرای هسته‌ای هم، همه‌اش تقصیر یک آدم بدایقالب مثل ماست که به دلایلی پایش به این ماجرا کشیده شده. . .

آقای کپورچالی : حکایت ما حکایت انوری است. هر بلایی که از آسمان نازل می‌شود و اگر برای یک نفر دیگر مقدر شده باشد، همین سیر زمین و آسمان می‌پرسد که خانه کپورچالی کجاست؟
آقای امیرشاهی : با این حساب خوب شد میرفتاح «بتمن» نشد. وگرنه بازار «بتمن» و «سوپرمن» و «سوپربوی» و «آسپایدمن» و همه این‌ها یک‌بشه می‌پکید.
آقای کپورچالی : بخت ما اگر بخت بود. . .
آقای مویلدی : گر بخت ز مرد برگردد/ هوروش به جلله‌تر گردد.
میرفتاح : این همه داد و هوار و الم‌شنگه‌بابت بالا رفتن قیمت سکه‌است؟
شکر خدا کنید که چهارسوتون بدنتان سالم است – البته فعلاً و نسبتاً سالم است – شما را چه به بازار ارز و طلا. شما به فکر قیمت‌چای اعلایان باشید، که این اگر به هم بریزد، رووگارتان به هم می‌ریزد. ضمناً زیاد هم از بد طالع بدوئتان شکایت نکنید که اگر فردا روزی برای روزنامه شرق مشکلی پیش آمد، تقصیر طالع شما نیندازند.

mirfattah@yahoo.com

اخبار اندیشه

تاریخ ایران باستان

نخستین مجله الکترونیکی تاریخ ایران باستان به زبان فارسی منتشر شد. این مجله به‌صورت فصلنامه در دسترس علاقه‌مندان و دانشجویان تاریخ قرار خواهد گرفت و سردیران آن دکتر توح دریاپی (دانشگاه ایالتی کالیفرنیا، فلورتون)، دکتر روزه‌زین کوب (دانشگاه تهران) و دکتر مهرداد قدرت‌دیزی (دانشگاه ارومیه) هستند. مجله تاریخ ایران باستان مجله بین‌المللی پژوهش‌های تاریخی است که هدف آن ارتقای همکاری محققان سراسر جهان و انتشار نتایج پژوهش‌های آنان در همه زمینه‌های تاریخ و تمدن ایرانی در دوره باستان است. این مجله علاوه بر مقالات دارای دو بخش «اخبار ایران‌شناسی» و «نقد و بررسی کتاب» نیز هست. هیات تحریریه مجله عبارتند از: دکتر محمدقلی ایمان‌پور (دانشگاه فردوسی مشهد)، دکتر رحیم شایگان (دانشگاه کالیفرنیا، لس‌آنجلس)، دکتر کامیار عبیدی (دارتموث‌کالج)، دکتر سارا علینیا (دانشگاه یوآلینا)، دکتر علی موسوی (دانشگاه برکلی)، دکتر شاهرخ رزمجو (موزه ملی ایران)، خداداد رضاخانی (دانشگاه کالیفرنیا، لس‌آنجلس) و هاله عمرانی (دانشگاه کالیفرنیا، لس‌آنجلس). در شماره نخست این مجله مقالاتی به شرح زیر مندرج است: «مطالعه تعدادی از سکه‌های ایلمی» (فاطمه جهانپور)، «تاریخچه پژوهش‌های علمی درباره ایران ساسانی» (مهرداد قدرت‌دیزی)، «اهمیت نهاد پادشاهی سلوکی در شکل‌گیری ایدئولوژی شاهنشاهی در ایران باستان» (توح دریاپی).
نشانی اینترنتی مجله www.iranancienthistory.com است.

خواندنی